حادثه‌ها

۲ کشته در تندباد خوزستان

● **ایرنا:** مدیر روابط‌عمومی دانشگاه علوم پزشکی دزفول گفت: مصدوم تندباد و توفان گرد و خاک سه‌شنبه‌شب در دزفول بر اثر ضربه وارده به سر فوت شد. فریدون جعفریانفر توضیح داد: این فرد در جریان توفان، بر اثر سقوط درخت و واردشدن ضربه به ناحیه سر به بیمارستان منتقل و در بخش آی.سی.یو بستری اما فوت شد. وی گفت: حادثه توفان در دزفول پنج‌مصدوم برجای گذاشت که چهارمصدوم پس از مداوا بیمارستان را ترک کردند. تندباد در دزفول با گرد و خاک همراه بود و دوساعت به طول انجامید، خساراتی به تاسیسات شهری و شبکه برق وارد کرد و موجب وقوع چندفقره آتش‌سوزی شد. توفان و تندباد در اندیمشک نیز یک کشته برجای گذاشت.

۲۶۱بسته‌تریاک در معده جوان ۲۰ساله

● **پلیس‌خبر:** جوانی ۲۰ساله که ۲۶۱بسته تریاک به وزن سه‌کیلووصدگرم را بلعیده بود دستگیر شد. سرهنگ محمدرضا سرفرازی فرماندهی انتظامی شهرستان سربیشه واقع در استان خراسان جنوبی گفت: ماموران هنگام کنترل خودروهای عبوری به جوانی ۲۰ساله که از زابل به مقصد مشهد در حرکت بود مشکوک شدند و وی را برای بازرسی دقیق‌تر به ستاد انتظامی منتقل کردند.

وی افزود: با بررسی‌های اولیه مشخص شد متهم موادمخدر را به صورت بلعی حمل می‌کند که با انجام یک‌سری اقدامات، ۲۶۱ بسته تریاک به وزن سه‌کیلو صدگرم از متهم کشف شد.

صید بزمجه در مجتمع مسکونی

● **شرق:** بزمجه کوچکی که باعث رعب و وحشت ساکنان مجتمعی مسکونی در مینی‌سیتی شده بود توسط آتش‌نشانان به دام افتاد. به‌دنبال تماس ساکنان این مجتمع مسکونی با سامانه ۱۲۵، ستاد فرماندهی، ایستگاه ۳۶ را ساعت ۱۰ صبح دیروز به مینی‌سیتی شهرک قائم فاز ۲ فرستاد. رضا وثوقی فرمانده آتش‌نشانان اعزامی به محل حادثه در این‌باره گفت: پس از رسیدن آتش‌نشانان به محل حادثه مشاهده شد بزمجه‌ای کوچک وارد انباری یکی از واحدهای مجتمع مسکونی شد و نگرانی ساکنان مجتمع را به همراه داشته است. وی افزود: آتش‌نشانان با استفاده از تجهیزات ویژه، این خزنده را به دام انداختند.

پیچ‌وخم‌های پرونده اسیدپاشی کینه‌جویانه

مرد جوان به دلیل اختلاف با همسرش هدف اسیدپاشی قرار گرفت

شرق: پرونده مردی که متهم است با همدستی زنی روی صورت شوهر او اسید پاشیده برای بررسی درخواست اعسار به دادگاه فرستاده شد و متهم یک‌بار دیگر پای میز محاکمه رفت. به گزارش خبرنگار ما این دومین‌بار است که متهم درخواست اعسار خود را به دادگاه داده و مدعی‌شده توانایی پرداخت دیه را ندارد. به گزارش خبرنگار ما، ماموران پلیس، تابستان سال ۸۲ با تماس تلفنی پرستاران بیمارستانی در کرج متوجه شدند مردی با اسید مورد حمله قرار گرفته و سوخته است. پلیس در تحقیقاتی که انجام داد، متوجه شد چون اسید وارد دستگاه گوارش این مرد شده وضعیت خوبی ندارد. افرادی که مصدوم را به بیمارستان برده بودند به ماموران گفتند نه متوجه کسی شدند و نه خودرویی آن اطراف بود، فقط مرد جوان را دیدند که روی زمین افتاده بود و مرتب می‌گفت سوختم سوختم. مجروح بعد از چندین‌بار عمل جراحی در نهایت توانست صحبت کند. او خودش را بهروز معرفی کرد و گفت: «روز حادثه مغازه‌ام را تعطیل کردم و داشتم به سمت خانه می‌رفتم که دو نفر با موتور جلویم پیچیدند و مرا از ماشین پیاده کردند. یکی از آنها اسید را روی صورتم ریخت و رفت. من با هیچ‌کس درگیری ندارم و اصلا هم نمی‌دانم چرا چنین‌کاری با من کردند.» بهروز در ادامه تحقیقات مدعی شد با همسرش مشکل دارد و ممکن است او این کار را کرده باشد. وقتی ماموران سراغ همسر بهروز رفتند، او ادعا کرد اطلاعی از اینکه چه‌کسی به صورت همسرش اسید پاشیده، ندارد. این زن گفت: قبول دارم ما اختلافات زیادی با هم داشتیم اما من در این ماجرا نقشی ندارم.

پرونده با توجه به اینکه سرنخی از عاملان اسیدپاشی به دست نیامد همچنان در دادسرا باقی ماند تا اینکه چندسال بعد بهروز دوباره به پلیس مراجعه کرد و گفت: «در تحقیقاتی که خودم انجام دادم، متوجه شدم فردی که به صورتم اسید پاشیده مردی به نام کیوان است.» شاکی گفت: «کیوان از طریق خواهرش با همسر من رابطه داشته و به همین دلیل هم دست به این کار زد. متوجه شدم زمانی‌که من در بیمارستان بودم او خودش هم دچار سوختگی شده و در خانه بستری است.»

برادر کیوان هم این ادعا را تایید کرد و گفت: «برادرم سال ۸۲ به من گفت کار مهمی دارد و از من خواست او را با موتور به جایی برسانم وقتی به جایی تاریک رسیدیم گفت موتور را نگه‌دار، بعد خودش پیاده شد و به من گفت کمی جلوتر منتظر باش من هم قبول کردم چنددقیقه‌بعد برادرم آمد و به من گفت هرچه‌سریع‌تر حرکت کن من اصلا نمی‌دانستم چه اتفاقی افتاده، وقتی پرسیدم چه شده گفت به تو ربطی ندارد. بعد از آن با برادرم قهر بودم و از او خبر نداشتم تا اینکه خواهرم به من گفت کیوان با آب باطری سوخته است در حالی‌که دروغ می‌گفت آن روز کیسه سیاهی دستش بود و من متوجه شدم دستانش سوخته است. باز به خواهرم چیزی نگفتم بعد از مدتی از طریق خواهرم متوجه شدم کیوان با زنی متاهل رابطه دارد و این زن دوست خواهر من است. این‌طور بود که متوجه شدم فرد اسیدپاش، برادرم است.» سپس یک‌بار دیگر همسر بهروز مورد بازجویی قرار گرفت. او گفت: «با شوهرم اختلاف داشتم او بارها من را کتک زده بود و حاضر نمی‌شد طلاقم بدهد در رفت‌وآمدی که به خانه خواهر کیوان داشتم این مرد در جریان وقایع زندگی من قرار گرفت و گفت از شوهرم انتقام می‌گیرد، البته من به او گفته بودم شوهرم را طوری تنبیه کند که آسیب جدی به او وارد نشود.» به این ترتیب کیوان بازداشت شد؛ او گفت: «اتهام را قبول ندارم و کسانی که علیه من صحبت می‌کنند همگی دروغ می‌گویند.» هرچند متهم اتهامش را رد کرد، با توجه به مدارک موجود در پرونده، رای علیه او صادر و وی به قصاص یک چشم و پرداخت دیه محکوم شد از آنجایی که رای قصاص چشم از سوی پزشکی قانونی غیرقابل اجرا تشخیص داده شد دادگاه متهم را به پرداخت دیه چشم محکوم کرد و حکم مورد تایید قرار گرفت. پس از آن کیوان اعلام کرد توانایی پرداخت دیه را ندارد و دادخواست اعسار را ارایه داد، بار اول این درخواست رد شد اما قرار است پرونده برای بار دوم مورد بررسی قرار گیرد و قضات به‌زودی رای خود را در این خصوص صادر می‌کنند. این درحالی است که شکایت علیه همسر بهروز همچنان در جریان است و به دلیل اینکه در پرونده قبلی کیفرخواست علیه وی صادر نشده بود او آزاد شده اما بهروز همچنان بر شکایت خود باقی مانده و خواستار مجازات همسرش شده است.

گفت‌وگو با زنی که اعضای بدن پسرش را اهدا کرد:

پسرم به دیگران زندگی دوباره داد

شرق: «رضا غنی‌آبادی» از کارکنان یگان ویژه پلیس تهران بزرگ بود که چندروز قبل به‌دنبال سانحه رانندگی، مرگ مغزی و اعضای بدن او به بیماران اهدا شد. مادر رضا در گفت‌وگو با «شرق» درباره این ماجرا توضیح داده است.

چطور فهمیدید چه اتفاقی برای رضا افتاده است؟

یک‌هفته قبل از حادثه به من الهام شده بود. حس کرده بودم قرار است یکی از هفت‌پسرم قربانی شود اما نمی‌دانستم آن پسر رضاست. حس کرده بودم اما مطمئن نبودم. روزی که این اتفاق برایش افتاد با هم ناهار خوردیم و با هم از سر سفره بلند شدیم و او از خانه بیرون رفت. ناگهان به دلم افتاد که آخرین‌بار است که او را نگاه می‌کنم و به دلم افتاد که باید او را اهدا کنم و عزادار شوم. در ساعتی که او زمین خورد انگار یکی قلب مرا از جا کند و حالم بد شد.

چه‌کسی به شما گفت این اتفاق برای رضا افتاده است؟

یکی از پسرانم به خانه تلفن زد و پرسید از رضا خبر داری؟ گفتم نه. او گفت رضا تصادف کرده اما حالش خوب است و دوستش به کما رفته است. به او گفتم خودم می‌دانم برای پسرم اتفاق بدی افتاده است.

وقتی فهمیدید او تصادف کرده و به کما رفته است چه کردید؟

من از سادات هستم و روحیه‌ام خوب و قوی است. پسرم مومن بود و از من خواسته بود گریه‌وزاری نکنم.

شغل رضا شغل خطرناکی بود. آیا فکر می‌کردید او را در تصادف از دست بدهید؟

نه واقعا. من زیاد به این موضوع فکر نمی‌کردم همان اول که سراغ این کار رفت می‌دانستم این بچه نذری است و او را در جوانی از دست می‌دهم.

چه شد که تصمیم به اهدای اعضای بدن فرزندتان گرفتید؟

حدود یک‌سال قبل خودش کارت اهدا را گرفته بود. اهدای عضو خواست خودش بود به‌خاطر همین من هم به خواسته‌اش احترام گذاشتم و اعضای بدنش را اهدا کردم. من وسیله‌ای بودم تا خواسته او اجرا شود. اولین خواسته من هم این بود که پسرم درمان شود و به کانون خانواده بازگردد اما وقتی درمان نشد دیدم چه بهتر که اعضای بدنش را اهدا کنم و به‌جای اینکه بدن پاکش زیر خاک بپوسد بهتر است به چندنفر زندگی دوباره بدهد و آنها هم برایش فاتحه بخوانند.

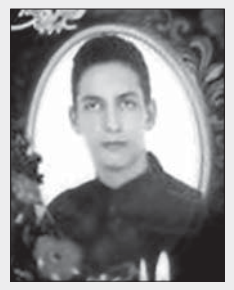

آیا خودش در این‌باره با شما صحبت کرده بود؟

همان یک‌سال پیش در این‌باره صحبت کرده بود. خیلی سربسته درباره مرگ‌مغزی صحبت کرد و گفت مادر یک کارت است، شیرت را حلالم کن و با رضایت آن را امضا کن. او به من گفت این برای من خیلی مهم است. اگر برایم اتفاقی افتاد خودت باقی‌اش را می‌فهمی و خوشحال هم می‌شوی که این کار را کرده‌ای. من آن روز ته قلبم فهمیدم که منظور رضا چیست.

شما چه واکنشی نشان دادید؟

ناراحت شدم. به‌هرحال وقتی حرف از مرگ عزیزی باشد آدم خواه‌ناخواه ناراحت می‌شود.

حالا که این کار را انجام داده‌اید چه احساسی دارید؟

الان خیلی خوشحال هستم. امانت خدا را پس داده‌ام چرا نباید خوشحال باشم. خدا هفت‌پسر به من داد و من دختر ندارم. الان هم خودش خواست از این طریق امانتش از پیش ما برود.

همسرتان چه نظری داشت؟

همسرم ۱۵سال پیش فوت شد اما فکر نمی‌کنم اگر آن خدابیامرز زنده بود با این کار موافقت می‌کرد. چون او ایمانش از من قوی‌تر بود و بچه‌ها را خیلی دوست داشت.

پیشنهادتان به افرادی که ممکن است در شرایط مشابه شما قرار بگیرند، چیست؟

از آنها خواهش می‌کنم همین کار را بکنند. جسم عزیزشان زیر خاک خواهد پوسید پس چرا اهدا نکنند تا با اعضای بدن او کسانی از مرگ نجات پیدا کنند؟

کلاهبرداری به بهانه مهاجرت

شرق: زنی که به بهانه تهیه ویزای اروپا از مردم کلاهبرداری می‌کرد، بعد از دستگیری روانه زندان شد.

چندی قبل زنی میانسال با مراجعه به پلیس آگاهی استان فارس علیه زنی شیاد شکایت کرد و گفت: «مدتی بود قصد داشتیم همراه خانواده به اروپا سفر کنیم و اگر شرایط را مناسب دیدیم همانجا بمانیم. چندی قبل برای پرس‌وجو در این‌باره به یک آژانس هواپیمایی مراجعه کردم و سوالاتم را پرسیدم. وقتی از دفتر شرکت بیرون آمدم زنی سراغم آمد و خودش را از کارمندان آنجا معرفی کرد و گفت می‌تواند من و اعضای خانواده‌ام را به اروپا بفرستد. او شرایط را توضیح داد و من در این‌باره با خانواده‌ام مشورت کردم. در نهایت مبلغ ۲۰میلیون‌تومان به آن زن دادیم تا کارهای مهاجرت ما را انجام بدهد اما هربار که با او تماس می‌گرفتم بهانه‌ای می‌آورد و هیچ کاری برای ما انجام نمی‌داد تا اینکه به موضوع شک کردم.»

شاکی در ادامه گفت: «وقتی موضوع را پیگیری و از چند نفر سوال کردم فهمیدم آن زن مرا فریب داده و با دروغ‌هایش توانسته پول‌هایم را از چنگم درآورد.»

ماموران بعد از اینکه در جریان وقوع کلاهبرداری قرار گرفتند به تحقیق در این‌باره پرداختند و فهمیدند متهم هیچ ارتباطی با آژانس مسافرتی ندارد و خودش را با عنوان جعلی معرفی کرده است. باوجود آنکه شاکی اطلاعات زیادی از زن شیاد نداشت تحقیقات ادامه یافت و پلیس سرنخ‌هایی را به دست آورد که نشان می‌داد این زن همراه چندنفر دیگر به‌صورت باندی فعالیت و متقاضیان مهاجرت را اغفال می‌کند.

ماموران در نهایت توانستند زن کلاهبردار را شناسایی و او را در خانه‌اش دستگیر کنند. متهم بعد از انتقال به پلیس آگاهی به جرمش اقرار کرد و گفت: «من با وعده‌های فریبنده اعتماد متقاضیان مهاجرت به اروپا را جلب و ادعا می‌کردم با توجه به روابطی که دارم می‌توانم به سادگی برای آنها ویزا و اجازه اقامت بگیرم به این ترتیب از آنها مبالغ میلیونی دریافت می‌کردم.»

این متهم در حال حاضر در بازداشت به سر می‌برد و پلیس در تلاش است با دستگیری همدستان او سایر جرایم احتمالی این باند را نیز فاش کند.

پنج قاره

نجات۲۲ کودک ربوده‌شده افغان

● **ایرنا:** فرمانده پلیس استان پروان افغانستان اعلام کرد دو قاچاقچی انسان که قصد داشتند ۲۲ کودک ربوده‌شده افغان را به پاکستان منتقل کنند، دستگیر شدند. محمدزمان مموزی، فرمانده پلیس استان پروان افغانستان گفت: این کودکان آزاد شدند و تحت نظارت پلیس قرار دارند. بازجویی‌ها از قاچاقچیان نیز آغاز شده است. مموزی افزود: تحقیقات درخصوص انگیزه این قاچاقچیان برای انتقال کودکان افغان به پاکستان آغاز شده است.

گمشده سونامی پس از ۱۰سال پیدا شد

● **ایرنا:** پسربچه‌ای ۱۰سال پس از سونامی مرگبار اندونزی که باعث مرگ ۲۳۰هزارنفر در ۱۴ کشور شد، پیدا شد. این پسر که در سونامی استان آچه اندونزی ناپدید شده بود، روز سه‌شنبه پس از ۱۰سال به آغوش خانواده بازگشت. این پسر که اکنون ۱۷ساله است در سونامی سال ۲۰۰۴ به‌همراه خواهرش ناپدید شد که خواهرش نیز ماه گذشته به آغوش خانواده بازگشته بود. سونامی اقیانوس هند که در سال ۲۰۰۴ پس از وقوع زلزله در جزیره سوماترا رخ داد، ۲۳۰هزارنفر را در ۱۴ کشور کشت که ۱۷۰هزارنفر از این افراد از اهالی منطقه آچه اندونزی بودند. جمالیه ۴۲ساله و سپتی رانگکوتی ۵۲ساله والدین این خانواده اندونزیایی عارف پراتاما رانگکوتی پسر هفت‌ساله خود را در سال ۲۰۰۴ به‌همراه «رولدهاتول جناح» خواهر چهارساله وی هنگام برخورد امواج سونامی به خانه‌شان در آچه از دست دادند. دایی «رولدهاتول جناح» ماه گذشته پس از ۱۰سال به‌صورت تصادفی با دختر ۱۴ساله‌ای شبیه خواهرزاده گمشده خود مواجه شد. این دختر پس از سونامی در جزیره‌ای دیگر توسط یک ماهیگیر نجات یافته و زنی سالمند از وی نگهداری کرده بود. جمالیه نجات فرزندانش و بازگشت آنها به خانوده را معجزه‌ای از سوی خدا دانست و گفت شب و روز برای بچه‌هایش دعا می‌کرده و می‌دانسته آنها زنده هستند. این خانواده پس از یافتن دختر خود تصمیم گرفتند تلاش برای یافتن پسر را نیز آغاز کنند که در نهایت موفق به یافتن وی شدند. این پسربچه سال‌ها به‌عنوان کودک خیابانی در شهر مدان جزیره سوماترا زندگی می‌کرد تا اینکه خانواده‌ای در خارج از فروشگاه خود با وی مواجه شدند. این خانواده به پسربچه اجازه دادند در مغازه آنها زندگی کند و به او لباس و غذا دادند تا اینکه بالاخره والدین این پسر پیدا شدند.

۱۸ کشته در رانش زمین هیروشیما

● **ایسنا:** رانش زمین در هیروشیما جان ۱۸ ژاپنی را گرفت. تصاویر منتشرشده در رسانه‌های این کشور حاکی از مدفون‌شدن تعدادی ساختمان مسکونی در زیر گل‌ولای در این منطقه و تلاش نیروهای امداد برای یافتن حادثه‌دیدگان است. یکی از مقامات دفتر مدیریت بلایای طبیعی هیروشیما گفت: طبق اعلام پلیس، تلفات این حادثه طبیعی به ۱۸نفر افزایش یافته و ۱۳نفر دیگر همچنان ناپدید هستند. همچنین به‌گفته سخنگوی آتش‌نشانی هیروشیما، وسعت خسارات ناشی از این حادثه طبیعی هنوز ارزیابی نشده است.

وحدت

مرکز خیریه معلولین عقب مانده گان ذهنی(دختران)

شماره ثبت ۳۹۹۱

یاری معلولین آفرینش زیبایی است

عشق را نثار قلب های مددجویان این خانه کنیم

شماره حساب مشارکت های مردمی

بانک تجارت شعبه اله وردی (پاسداران)

حساب جاری: ۳۶۹۲۶۳۱۷

شماره کارت: ۶۲۷۳ ۵۳۹۹ ۹۱۶۶ ۴۳۴۳

شماره شبا: IR۹۳۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۳۶۹۲۶۳۱۷

به نام مرکز خیریه معلولین ذهنی وحدت

واریز وجه از طریق تلفن همراه با شماره گیری کد

*۷۳۳*۴*۹۸۹۸۹۸#

نشانی : خیابان پاسداران انتهای بوستان دوم خیابان شهید افشاری بالاتر از تالار ساقدوش سمت راست کوچه وحدت یا از طریق بزرگراه رسالت خیابان بنی هاشم خیابان شهید افشاری ...

تلفن: ۲۲۹۴۹۴۹۵- ۲۲۹۴۲۱۳۲ تلفکس : ۲۲۹۴۷۰۱۴

آدرس سایت اینترنتی:

www.vahdat-mrrcc.com

آدرس پست الکترونیک :

vahdatcharity@gmail.com

رخداد

کارگر شهرداری ۳۶میلیون‌تومان را به صاحبش بازگرداند

● **ایرنا:** شهردار بوکان گفت: یکی از کارگران امانتدار فضای سبز شهرداری این شهر ۳۶میلیون‌و۴۰۰هزارتومان چک را به صاحبش بازگرداند. سلیمان فیضی خاطرنشان کرد: این کارگر امانتدار که «لقمان آرزومند» نام دارد و نگهبان محوطه پارک کوی محمدیه است شامگاه سه‌شنبه هنگام گشت‌زنی در محوطه پارک متوجه بسته‌ای سفید رنگ شد که حاوی دوفقره چک یک‌شرکت و ۱۸فقره چک در وجه حامل بود. وی گفت: این کارگر چک‌ها را در اختیار شهرداری قرار داد و چک‌ها با همکاری پلیس اماکن عمومی بوکان به صاحب اصلی‌اش که شهروندی مهابادی بود تحویل داده شد. فیضی اضافه کرد: به پاس این کار خداپسندانه کارگر امانتدار که به صورت فصلی با شهرداری کار می‌کند از او به صورت ویژه تقدیر می‌شود. این کارگر ۲۸ساله فرزند یکی از کارمندان شهرداری بوکان است و با مادر پیر و بیمار خود زندگی می‌کند.

مرگ کارگر در میان آتش

● **شرق:** وقوع حریق در آشپزخانه صنعتی در منطقه سعادت‌آباد یک‌کشته برجا گذاشت و کارگری دیگر نیز مصدوم شد. سیدجلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این‌باره گفت: «با توجه به بسته‌بودن درهای آشپزخانه، دود بسیار غلیظی مکان را دربرگرفت و دوکارگر افغان بر اثر دودگرفتگی ناشی از آتش‌سوزی در وضعیت خطرناکی قرار گرفتند. وی با اشاره به اینکه یکی از کارگران توانست خودش را تا پشت در ورودی آشپزخانه برساند، اظهار کرد: وی به‌دلیل دودگرفتگی و سوختگی سر، صورت و دستان، توان خروج از این مکان را نداشت. ملکی گفت: آتش‌نشانان با حضور در محل توانستند این فرد را از محل حادثه خارج کنند و تحویل عوامل اورژانس دهند اما آنان مرگ این کارگر حدودا ۳۵ساله را تایید کردند. سخنگوی آتش‌نشانی تهران افزود: کارگر حدودا ۱۸ساله‌ای نیز در انتهای آشپزخانه در وضعیت خطرناکی گرفتار شده بود که با تلاش آتش‌نشانان از مرگ حتمی نجات یافت و به محل امن منتقل شد. وی اظهار کرد: حادثه آتش‌سوزی ساعت ۵:۴۳ بامداد دیروز به سامانه ۱۲۵ اعلام شده بود.

قتل به دلیل اختلافات قبلی

● **باشگاه خبرنگاران:** دو مرد که با نقشه قبلی مرتکب قتل شده بودند بعد از دستگیری به جرم‌شان اعتراف کردند. سردار حیدر عباس‌زاده فرمانده انتظامی استان بوشهر گفت: «در پی مفقودشدن شخصی به‌نام «محمد» تحقیقات آغاز شد. وی ادامه داد: ماموران با توجه به طولانی‌شدن زمان مفقودشدن محمد احتمال قتل وی را مطرح و یکی از دوستان او را دستگیر کردند. سردار عباس‌زاده تصریح کرد: متهم لب به اعتراف گشود و گفت با همراهی یکی از دوستانش به‌نام علی با نقشه قبلی سر راه مقتول قرار گرفتند و از او خواستند علی را با موتوسیکلتش به محلی در کوه‌های اطراف روستای سمل ببرد که مقتول نیز قبول کرد سپس علی او را در مکانی خلوت به قتل رساند. این مقام انتظامی ادامه داد: «دو متهم جسد را در دره‌ای همان حوالی انداختند اما بعد از گذشت دوهفته به محل بازگشتند و این‌بار جمجمه مقتول را در چاه متروکه‌ای حوالی شهر برازجان انداختیم. فرمانده انتظامی استان بوشهر در ادامه اظهار کرد: با اقرار متهم تلاش برای دستگیری عامل اصلی قتل که یکی از افراد شرور شهرستان تنگستان بود در دستور کار پلیس قرار گرفت و وی بازداشت شد. این متهم انگیزه قتل را اختلاف قبلی با مقتول اعلام کرد.

دستگیری بعد از ۵۰ سرقت

● **شرق:** سردسته باندی که به ۵۰ کارگاه و مغازه دستبرد زده بود، به دام افتاد. سرهنگ منصور خدادادی، رییس پلیس آگاهی غرب استان تهران با اعلام این خبر افزود: ماموران در پی دریافت چند پرونده سرقت از کارگاه‌ها، کارخانجات و مغازه‌ها به تحقیق در این‌باره پرداختند. سرهنگ خدادادی در ادامه تشریح کرد: با دستگیری فردی به اتهام سرقت از یک گاراژ، احتمال ارتکاب سرقت‌های متعدد توسط این فرد قوت گرفت. رییس پلیس آگاهی غرب استان تهران افزود: با بررسی پرونده‌های قبلی مشخص شد متهم دستگیرشده که سوابق متعدد کیفری دارد این دزدی‌ها را انجام داده است. متهم در نهایت به ۵۰فقره سرقت اماکن با همدستی دو نفر دیگر اعتراف کرد و گفت او سردسته باند بود.

بریده اخبار

- **سارق سابقه‌داری که با همدستی دایی‌اش از میوه فروشی‌های تبریز سرقت می‌کرد دستگیر شد.**
- **سه‌سارق که ۵۰کبوتر را از خانه‌ای روستایی در استان خراسان رضوی سرقت کرده بودند، بازداشت شدند.**
- **رییس‌پلیس فتای پایتخت از دستگیری پسری خبر داد که به علت شنیدن جواب منفی از سوی دختر مورد علاقه‌اش با ارسال ایمیل، وی را به انتشار عکس‌های خصوصی در فضای مجازی تهدید کرده بود.**